

اقتصاد ورزش

نوشته: ولادیمیر آندرف و ژان فرانسوایس

ترجمه: الهوردی جزایری

سرشناسه	آندرف، ولادیمیر، ۱۹۴۶ - م.
عنوان و نام پدیدآور	Andreff, Wladimir
موضوع	اقتصاد ورزش / نوشته ولادیمیر آندرف و ژان فرانسوآنیس؛ ترجمه الهوردی جزایری
مشخصات نشر	تهران: بوستان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۱۰۲ ص.
وضعیت فهرست نویسی	فیا
شابک	978-600-6189-48-2
یادداشت	عنوان اصلی: Economic desport.
یادداشت	چاپ سوم.
یادداشت	چاپ قبلی: علم و ورزش، ۱۳۸۰.
موضوع	ورزش — جنبه‌های اقتصادی.
شناسه افزوده	نیس، ژان فرانسوا، ۱۹۴۷ - م.
شناسه افزوده	Nys, Jean Francols
شناسه افزوده	جزایری، الهوردی، ۱۳۲۲ -، مترجم
رده بندی دیویی	۳۳۸/۴۷۷۹۶
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ ۷/۱۸۱/۷۱۶GV
شماره کتابشناسی ملی	۲۵۴۳۸۴

نام کتاب: اقتصاد ورزش

مؤلف: ولادیمیر آندرف - ژان فرانسوآنیس

مترجم: الهوردی جزایری

ناشر: انتشارات بوستان

سال چاپ: ۱۳۹۳

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۲۵۰

چاپ: مینباتور

لیتوگرافی: وقاجو

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
	فصل اول
۱۳	ورزش از نظر امور مالی
۱۳	بودجه ورزش
۱۴	اعتدالی بودجه اوقات آزاد، نسل جوان ورزش
۱۵	سرمایه های ملی در راه گسترش ورزش
۲۱	بازیهای پیش از وقت
۲۱	تأمین مالی ورزش از طریق انجمنهای محلی
۲۹	ضمانت، عمومیت و عواید پیوسته
۳۷	درآمدهای حاصله از تماشاگران و وابستگان به ورزش
	فصل دوم
۴۱	مدیریت ورزش
۴۱	مدیریت باشگاههای ورزش یا مدیران افتخاری
۵۴	بحران اقتصادی و ورزشهای حرفه ای
۶۰	تأمین خزانه داری کل دولت و سهمیه بندی اجتماعی
۶۶	سازمان شرکت های مسابقاتی و ارزش آن
۷۰	گسترش تدارکات ورزشی
۷۱	مؤسسات آموزش و محل ورزش های بدنی و استخرها
	فصل سوم
۷۷	بازارهای ورزشی
۷۷	رشد نابرابر شاخه های ورزشی
۸۳	بازار کالاهای ورزشی
۹۱	بازار نمایش ورزشی
۹۷	بازارهای دیگر اقتصادی اقتصاد ورزش
۱۰۰	حرفه های ورزشی
۱۰۱	نتیجه

مقدمه

اقتصاد ورزش، نزدیکی عجیب بین این دو لغت بی ارتباط، مسئله‌ای برای اقتصاد دانان شده است. بدون شک «پیر کوبرتن» که خود نیز معاصر ظهور اولین ورزشهای مدرن حرفه‌ای و مصرف کالاهای ورزشی بود، واقعیت آن را به صراحت نتوانسته است بازگو نماید. مفهوم ورزش که مورد قبول مردم است، هر چه باشد فقط یک مسئله انکارناپذیر همراه دارد: امروزه ورزش همان قدر که عملی است جنبه تماشا نیز دارد، فعالیتی است که مصرف کالاها و سرویس خدمات را به خود جذب می‌کند.

آن کالاهایی که در زمینه ورزش مورد احتیاج هستند و حتی آنهایی که بطور غیرمستقیم در خدمت ورزش قرار می‌گیرند، خواه ناخواه باید تهیه و تولید شود. در یک اقتصاد سرمایه‌داری، فعالیت ورزشی، چه جنبه نمایشی داشته باشد، یا نداشته باشد، مصرف اموال و خدمات را ایجاد می‌کند و به دنبالش به بازار صنعت و تجارت راه باز می‌کند. بدین ترتیب اعمال و تأثیر اقتصاد در ورزش مشخص می‌گردد، و این مسئله هر روز به دو دلیل فزاینده‌تر می‌گردد: از یک طرف کم شدن زمان کار، روشی از زندگی را ایجاد می‌کند که در آن، بیکاریهای تنظیم شده توجه به شکوفائی ورزش، سنگینی مصرف کالاها را در تولیدات ملی اضافه می‌کند. از طرف دیگر تحت بعضی شرایط جو استقرار عایدات سالانه و درآمد وسیع ملی و بین‌المللی، ورزش سرمایه‌ها و کالاهای تجاری را به خود جلب می‌کند: نتیجه عمل یک در هم آمیختگی رو به افزایش ورزش و اقتصاد است.

ورزش به علت ارزشی که بیش از پیش پیدا کرده است، با اقتصاد در هم می‌آمیزد. در امر دسترسی یک جوان به تمرین فوتبال یا رانندگی، به دست آوردن مجوز، بیمه و تدارک مربوط به آن حداقل ۵۰۰ فرانک تمام می‌شود، وقتی به ورزشهای قراردادی پا می‌گذارند، ارزش تمرین به سرعت بالا می‌رود و گرانتر تمام می‌شود. دوچرخه سواری به عنوان ورزش یا تمرین حداقل ۱۵۰۰ فرانک هزینه دارد،

در حالی که همین ورزش به صورت مسابقه دست کم ۵۰۰۰ فرانک خرج در بردارد .
برای یک قایق رانی مجهز به پارو ، بایستی روی ۳۰۰۰۰ فرانک حساب کرد .
مخارج شرکت یک حریف (مالک وسیله نقلیه) در مسابقه : «پاریس - داکار»
۶۰۰۰۰ فرانک برای یک موتور سوار پلیس مسابقه ، ۲۰۰۰۰۰ فرانک برای یک
اتومبیل همراه هزینه در برداشت .

سازمان یک مسابقه ورزشی به خصوص اگر جنبه نمایی داشته باشد ، متناسب
است با سنگینی تدارکات آن : بیش از یک میلیون فرانک برای یک مسابقه
اتومبیل رانی ملی ، نظیر «جام Salen» در موتوری بیش از ۲۰ میلیون برای مسابقه
تنیس «رولاند گاروز» ۳۰ میلیون برای تور دوچرخه سواران فرانسه «تور دو فرانس» و
۱۰۰ میلیون برای مسابقه «پاریس - داکار» . با این حال ، این مختصر ، جزئی از
سنگینی ورزش را در اقتصاد ، به ما عرضه می دارد .

یک شمارش از شرکت کنندگان و تماشاگران یک دید جهانی و کلی را به ما
می دهد . تعداد اعضای ورزشی در فدراسیونهای مختلف فرانسه در سال ۱۹۴۹ بالغ
بر ۱/۹ میلیون ، در سال ۱۹۸۴ قریب ۱۱ میلیون بوده است .

در فرانسه از هر پنج نفر یک نفر در یک گروه ورزشی ثبت نام نموده و عضو شده
است ، اگر به شرکت کنندگان در چند گروه ورزشی توجه شود ، مسلم خواهد بود که
این نسبت اظهار شده ، حداقل می باشد . بهتر است برای آشنائی صحیح با تعداد
شرکت کنندگان ، درآمد حاصل از عضویت اعضا را در نظر بگیریم . این درآمد
(یا سود) ارتباط مستقیم با شماره اشخاص مجاز و شرکت کنندگان ورزش دارد . یک
حقیقت ناشناخته آماری این که سه باره عضویت ورزشی گروهی ، با گروه دیگر فرق
می کند ، طبق ارزیابی سابق (Insee) از ۴٪ برای دوچرخه سواری تا ۱۰۰٪ برای
اسکی نوسان دارد . بنابراین بایستی تعداد اعضا را افزایش داد ، تا تعداد شرکت
کنندگان بالا رود . تمام ارزشیابیهای جهانی ، از هر پنج نفر فرانسوی ، یکی را به
عنوان ورزشکار تأیید می کنند .

نتایج تحقیق (IFOP) در سپتامبر ۱۹۸۱ به عنوان نمونه ، روی یک گروه ۲۰۴۴
نفری از فرانسویان حاضر در سنین ۱۵ و به بالا ، تحقیق به عمل آمد : ۲۳٪ از افراد
مورد تحقیق امیدوار بودند وقت آزاد اضافی خود را اصلاح نموده و با کم کردن از
زمان کار به تمرینات ورزشی بپردازند . تمام این ورزشکاران کالاهای ورزشی مصرف
می کنند . این مصرف از ۱/۱ میلیارد فرانک در سال ۱۹۷۰ و ۵/۱ میلیارد در ۱۹۸۲
می گذرد ، که این رقم شاید ۲٪ مخارج کل خانگی فرانسویان باشد .

نمایش ورزشی گروهی از افراد (تماشاگران) و اشخاصی که به نحوی درگیر
مسئله هستند از قبیل (رسانه های گروهی ، سرپرست و ضامن و غیره) را نیز به طرف

خود جذب می‌کند و این امر در سال ۱۹۸۲ به مبلغ ۲/۷ میلیارد فرانک فرانسه به تماشاگران و نزدیک ۲۰ درصد مخارج کل نمایش در فرانسه بوده است. نمایش «رولاند گاروز» بیش از ۲۰۰ هزار تماشاچی (Vingt Quatre Heures Du Mans) ۳۰۰ هزار، یک مسابقه فوتبال بخش اول آن در فرانسه ۴ میلیون تماشاگر، ۸ میلیون در ایتالیا و ۸ میلیون در (RFA) و مسابقه «دور فرانسه» حداقل ۱۴ میلیون در یک ماه تماشاگر داشته‌اند.

در مقابل یک چنین حضور در صحنه، تهیه و به صحنه در آوردن نمایشات ورزشی، همیشه دست اندرکاران صنعتی و تجاری را به خود جلب می‌کند. قریب ۵۸ مرکز تجارتي خارجی در بازیهای المپیک مسکو در سال ۱۹۸۰ شرکت داشته‌اند. لوس آنجلس در سال ۱۹۸۴ شرکت‌های معروف بین‌المللی معروف مثل: آتی‌تی، آی‌بی‌ام، جنرال موتورز، وستینگ‌هاوس، (X) لوی‌استروس، دونالد، کانون، فیوجی، سانیو، دانتسو و پریه را در خود و در یک جا جمع کرد و این نشانگر درهم‌آمیزی بین‌المللی ورزش و اقتصاد بود.

این رقابت‌های بزرگ بین‌المللی است که میزان اهمیت اقتصادی ورزش را نشان می‌دهد. تشکیل و سازماندهی بازیهای المپیک در مونیخ، یک میلیارد دلار، مونترال دو میلیارد، مسکو ۹ میلیارد دلار برای کشور فرانسه ارزش داشته است. در ۱۹۸۰ بین‌موازات بازیهای المپیک و به دنبال قرارداد ۱۴۹۶ که یک قرارداد صنعتی بود (البته همواره با تعدادی از کشمکشها) به فرانک برگردانده شد. این رقم با فعالیت یک ماهه بازیهای المپیک ارتباط داشته و درست همان بوده که مسکو قرارداد صنعتی شماره ۲۷۸ را با فرانسه بست (که یک قرارداد بزرگ بوده) و قابل چشم‌پوشی نیست! جو نهایی «موند یال» هرگز به چنین رقم‌هایی نرسید. با وجود این سازمان آن مبلغ ۵۰ میلیون فرانک در (K. F. A.) ۱۹۷۴ ارزش داشته، ۷۵ میلیون فرانک در آرژانتین ۱۹۷۸ و ۱۷۰ میلیون در اسپانیا ۱۹۸۲. چرا باید مخارج تجدید بنای میادین مسابقات و عملیات مربوطه را اضافه کرد؟ جمع‌بهای صرف شده برای سازمان کمیته سلطنتی اسپانیا ۵۴۰ میلیون فرانک شاید کمی کمتر از ۵۵٪ PNP درصد اسپانیا باشد.

در آرژانتین سرمایه‌گذارهای برای تدارکات ساختمانی ورزشی (در سال ۱۹۷۸) قابل توجه بوده که (کل هزینه) بالغ بر یک میلیارد دلار (که تقریباً ۲/۲ درصد «P. N. e.» آرژانتین همان زمان می‌شد). بر این مبنا روشن می‌شود که داوطلب شدن یک کشور بر این امر بزرگ، تجارتها و تحقیقات اقتصادی طولانی به دنبال دارد: پرونده داوطلب شدن پاریس برای بازیهای المپیک ۱۹۹۲ مدت ۹ ماه مورد طرح و بررسی بوده که با یک بودجه به مبلغ ۶۷ میلیارد فرانک در سال ۱۹۸۳

تنظیم یافت. هنوز برزیل در حالت جبران ۳۰۰ میلیون دلاری است که معادل ۰/۱ درصد (P.N.B.) است و کلمبیا ۰/۸ درصد از PNB خودش را برای فراهم ساختن مخارج بازیهای جهانی ۱۹۸۶ صرف کرده است در حالی که این کشور ۱۰۰ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد. فدراسیون بین‌المللی فوتبال، بالاخره خود را در مکزیک جا یگزين نموده، در حالی که یکی از ملتهای مقروض جهانی است. روش خیلی کامل برای ارزشیابی سنگینی اقتصادی ورزش توجه به محاسبات ملی و تشکیل یک حساب مربوط به ورزش است، و آن عبارت خواهد بود از جمع‌آوری و ارزیابی به فرانک با رعایت اصطلاحات و طبقه‌بندی حساب ملی، تمام اطلاعات پولی، نه پولهای که شامل خاصه خرجها و خدمات اضافی، از توزیع و عرضه دارائی در صحنه ورزش و عرضه نمودن آنها به شکل یک تابلوی کامل اقتصادی می‌شود. تا امروز این کار انجام نیافته (مگر برای سال ۱۹۷۱) نمی‌توان امیدوار شد که LINSEE حسابی مخصوص برای آینده ورزش و بطور دوره‌ای بر آن مبنا که برای آموزش و پرورش و یا بهداشت تعیین می‌کند، پیش‌بینی نماید. حسابداران زیده (در سال ۱۹۷۶) نشان داده‌اند که بخش ورزشی تولید داخلی خام ۴۱۲۱ میلیون فرانک، مصرف به مبلغ ۴۷۸۱ میلیون، تشکیل سرمایه ثابت به مبلغ ۲۰۱۳ میلیون، صادرات ۳۱۴ میلیون، واردات ۹۲ میلیون و دستمزد و سهمیه بندیهای اجتماعی به مبلغ ۳۴۶۵ میلیون، از منافع ۱۳۲۷ میلیون و از مالیات و عوارض ۱۱۲۷ میلیون فرانک داشته است. باز بیشتر قابل توجه خواهد بود که نسبتهایی به شرح زیر نیز نشان داده شوند.

در ۱۹۷۱ ورزش ۵٪ درصد از (P.I.B.) با مصرف کل ۸٪ درصد از کارمزدها، ۶٪ درصد از مالیاتهای ملی را به خود اختصاص داده است. اگر این نسبتها را از سال ۱۹۷۱ به بعد در نظر بگیریم، می‌توان ترتیب بالا رفتن و رشد این ارقام را در سال ۱۹۸۲ مشاهده کرد.

بخش ورزش از (P. I. B.) ۱۶ میلیارد فرانک، مصرف ۱۸ میلیارد فرانک، سرمایه‌گذاری ۷ میلیارد، که مصرف لباس ورزشی در ۱۹۸۲ نزدیک به ۹ میلیارد فرانک و محصول مطبوعات و انتشارات ورزشی ۱/۸ میلیارد فرانک بوده است، بدین ترتیب است که ائتلاف ورزش و اقتصاد را در ده سال اخیر پیشرفته می‌پندارند. این ارقام بدون شک، حداقل ارزشیابیها است، و یا هر کسی را به این فکر وامی‌دارد که: ورزش، خود را مثل یک چیز خارق‌العاده اقتصادی (اصیل و قدیمی) تحمیل می‌کند.

کم شدن زمان کار، بالا رفتن میزان بیکاریها، گسترش صنعت کالاهای ورزشی و تدارکات مربوط به ورزش (سالنها و میادین و غیره)، دخالت مالی روزافزون اجتماعات محلی، بین‌المللی شدن ورزش مثل ورزشهای عمومی و بالاخره بالا رفتن

مزد قهرمانان حرفه‌ای. شرکت در این نشو و نما همیشه به کارهای مستعد و مفید منتهی نمی‌شود. طبق بررسی‌هایی که کرده‌اند، نزدیک به ۲۸۰ میلیون ساعت از وقت فعالیت‌های مفید سال ۱۹۸۳ در فرانسه، صرف ورزش شده است و نشان می‌دهند که طی سی بار از طرف دولت، مبلغ ۱۲ میلیارد فرانک به ورزش کمک شده است. فهرست اخیر، بدون کم و کاست در یک دوره بحران اقتصادی عملی شده و همچنان بازار ورزش به شکوفائی خود ادامه داده و بازار رقابت‌های جهانی همچنان گرم و مداوم باقی ماند و سرمایه‌های بخش خصوصی را به طرف ورزش جلب نمود. سازمان دهندگان «رولاند گارو» ۱۸/۵ میلیارد فرانک در سال ۱۹۸۱ خرج کرده‌اند، ۲۶/۶ میلیارد عایدشان شده است گویا ۸/۱ میلیارد سود و مقداری مالیات بر درآمد (که آن ارتباط دارد به میزان سود و مخارج) از ۴۴ درصد داشته‌اند. همان سال مسابقه «ویمبلدون» خود را با یک سود ۱/۱ میلیارد دلاری و با ۵۰ درصد مالیات می‌فروشد. در مورد گردانندگان سازمان «موندیال» فوتبال ۱۹۷۸ مبلغ ۷۵ میلیون فرانک مخارج را متعهد شده و سودی به مبلغ ۱۴۵ میلیون فرانک به چنگ آورده‌اند (و البته بین شرکت کنندگان تقسیم نموده‌اند) مالیات بر سود ۱۹۳ درصد بوده است.

در اسپانیا (سال ۱۹۸۲) منافع از ۲۱۳ میلیون فرانک بالا می‌رند و مالیات بر درآمد ۱۲۵ درصد می‌شود! چه فعالیت اقتصادی می‌تواند چنین بحرانی بیافریند، اهمیت ورزش آن گونه که نشان داده شد، مطالعهای را اقتضا می‌کند که به چه وسیله منابع مالی لازم تسلیم فعالیت ورزشی شده‌اند و این مسئله مالی ورزش است که «فصل اول» کتاب را تشکیل می‌دهد. چگونه این توده از سرمایه‌های عمومی و خصوصی برای حفظ و حراست از این ارزش‌های رهبری شده‌اند، چنین است مدیریت نظری ورزش؟ «فصل دوم» چه روابطی گره می‌خورد بین آنها که تولید می‌کنند و می‌فروشند و خدمات مربوط به ورزش را انجام می‌دهند و بین آنها که آن کالاها را می‌خرند و بازارهای ورزش را تشکیل می‌دهند موجود است؟